

## بررسی و تبیین محدودیت های فراروی توانمندسازی اجتماعی روستائیان (مطالعه موردی: بخش های مرکزی و زبرخان در شهرستان نیشابور)

صادق اصغری لقمجانی

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه زابل، زابل، ایران

نسبیه حسینی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران

حسین زیتتی

دانش آموخته توسعه روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و تبیین محدودیت های فراروی توانمندسازی اجتماعی روستائیان، در زمره تحقیقات کاربردی- غیرآزمایشی و بصورت میدانی صورت پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق، شامل خانوارهای روستایی ساکن در محدوده مطالعاتی و روش نمونه گیری بصورت تصادفی ساده می باشد. حجم نمونه با توجه به تعداد خانوارها و استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۳ نفر سرپرست خانوار تعیین گردیده است. پایایی پرسشنامه خانوار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۷ درصد برآورد شده است که نشان دهنده مطلوبیت مولفه های بکار رفته در پرسشنامه می باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات، از طریق مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و با کمک نرم افزار Expert Choice و تحلیل های آماری و فضایی تحقیق نیز با استفاده از نرم افزارهای SPSS و ArcGIS انجام شده است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه مؤید آن است که شاخص های مرتبط با امکانات آموزشی با ضریب ۰/۱۲۹۲، مشارکت با ضریب ۰/۱۰۳۲ و سرمایه اجتماعی با ضریب ۰/۰۵۸۸، تاثیرگذارترین عوامل مطرح در بروز یا تشدید محدودیت های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه به حساب می آیند. بر مبنای نتایج یافته ها، استقرار و گسترش واحدهای آموزشی متناسب با نیاز روستائیان، برگزاری دوره های آموزشی و ارتقا مباحث انگیزشی از مهمترین راهکارهای توانمندسازی روستائیان در ابعاد اجتماعی می باشد.

**واژه های کلیدی:** توانمندسازی، توسعه اجتماعی، خانوار روستایی، شهرستان نیشابور.

## مقدمه

قدرت در علوم اجتماعی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است و مشتقات آن همچون توانمندسازی یکی از موضوعات روز محققان علوم اجتماعی و مدیریتی است (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۹۱). در واقع، امروزه توانمندی به یکی از مفاهیم اصلی توسعه پایدار تبدیل شده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۸۹) و اغلب کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار «توانمندسازی» را کارآمدترین روش یافته‌اند (Parsons, 2001). بنابراین می‌توان گفت توانمندسازی، زنان و مردان را، در تامین نیازهای اساسی، تلاش در جهت رفع اختلاف طبقاتی در جوامع، رشد آگاهی عمومی، اعتماد به نفس و اعتماد عامه مردم به اهداف توسعه و حفظ امنیت و آزادی می‌توان جستجو کرد (سعدی و همکاران، ۱۳۹۱). در توانمندسازی، هدف کلی آن است که افراد به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب بر اساس خواست‌های خود را بدهد (شادی طی، ۱۳۸۱). بنابراین، رویکرد توانمندسازی انسانی که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد توانمندی‌های انسانی خواهد بود، رویکردی است که می‌تواند با پیوند دادن رشدگرایی و بازتوزیع، اهداف چندگانه‌ی توسعه را در فرایندی انسانی مبتنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد، محقق سازد (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۹۱). توانمندسازی در برنامه‌ها و راهبردهای توسعه روستایی با تکیه بر توان‌های بالقوه روستاییان مطرح است و بر این اصل استوار می‌باشد که دولت‌ها به جای کمک‌های مستقیم و بلاعوض که شخصیت و کرامت انسان‌ها را خدشه‌دار می‌سازد، می‌بایست از طریق ارتقا سطح آموزش، ایجاد مهارت‌های لازم و فعالیت‌هایی از این قبیل زمینه‌های بهبود سطح زندگی روستاییان را فراهم آورند (بهادری، ۱۳۸۶). و از آنجا که پیشرفت اقتصادی در هر کشوری اعم از توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته از طریق توسعه اجتماعی امکان‌پذیر است می‌توان گفت توسعه اجتماعی مکمل توسعه اقتصادی است و در فرایند توسعه اقتصادی، نمی‌توان توسعه اجتماعی را حتی به طور موقت کنار گذاشت (آل‌اقا، ۱۳۸۴). و اما در این میان برای دستیابی به توانمندسازی با محدودیت‌های روبرو هستیم که می‌توان گفت، با ویژگی‌های ساختاری، نهادی، موقعیتی و فیزیکی در روستاها مرتبط است. همچنین می‌توان استناد کرد که، محدودیت‌های ساختاری از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کل و جامعه جهانی نیز تاثیر می‌پذیرند. (زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۷). ذکر این نکته نیز لازم است که امروزه استفاده از توانایی و استعداد درونی روستاییان، یکی از شیوه‌های مناسب رسیدن به هدف است که می‌تواند در قالب توانمندسازی و ظرفیت‌سازی بروز کند. در توانمندسازی اجتماعی با توجه به اینکه امروزه بیشتر به جنبه مشارکتی توجه می‌گردد، مشارکت مردم به منزله اصل عملیاتی و بنیادین تمام برنامه‌ریزی‌های توسعه مطرح بوده و در همه‌ی فرآیندهای آن، مردم به عنوان محور و حتی طراح طرح‌های توسعه مطرح هستند (فرخی، ۱۳۸۰). بنابراین به منظور نیل به اهداف توسعه روستایی، بکارگیری الزامات مشارکتی در توانمندسازی جامعه روستایی بسیار مثمر ثمر خواهد بود (صالحی و شیخی، ۱۳۹۳). در واقع انسان‌ها نیازهای متعدد و گسترده‌ای دارند که خود به تنهایی قادر به رفع تمامی آنها نیستند و برای پاسخگویی به این نیازها باید از همفکری، همکاری و مشارکت انسان‌های دیگر استفاده کنند (رضایی

جندانی، ۱۳۹۴). بر این اساس، شناخت محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که اطلاع و آگاهی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران نسبت به این امر در مناطق روستایی که بخش مهمی از جوامع در حال توسعه را تشکیل می‌دهند، در بهبود وضعیت آنها بسیار مؤثر خواهد بود.

به هر حال، ناتوانی اجتماعی یا عدم مشارکت افراد در روند توسعه، حداقل در بخشی از جمعیت روستایی، از مشکلات اساسی نواحی روستایی کشور به شمار می‌آید که در این میان، روستاهای مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشند. در واقع، بخش‌های زبرخان و مرکزی شهرستان نیشابور به دلیل عدم دسترسی به فرصت‌های لازم برای ادامه تحصیل فرزندان، عدم برگزاری کلاسهای آموزشی و ترویجی، پایین بودن میزان اعتماد ساکنان به مراکز خدمات روستایی، عدم وجود درمانگاه، پاسگاه امنیتی و دامپزشکی در روستاهای محدوده مورد مطالعه و همچنین عدم وجود خانه بهداشت در اکثر روستاها، با محدودیت‌های متنوعی مواجه‌اند که به همین دلیل، تاکنون توسعه مناسب اجتماعی خانوارهای روستایی ساکن در آنها میسر نشده است که این امر به گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و افزایش مهاجرت-های روستایی - شهری دامن زده و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات منطقه‌ای گردیده است.

ب در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن بررسی اهمیت توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، میزان اثرگذاری آنها مشخص گردد و به این پرسش‌های اساسی پاسخ دهد که خانوارهای ساکن در محدوده مورد مطالعه برای توانمندسازی اجتماعی با چه محدودیت‌هایی مواجه‌اند و سطح تاثیرگذاری هر یک از آنها در بروز یا تشدید محدودیت‌های مطرح در این خانوارها چگونه است؟

### مبانی نظری

بحث درباره مفاهیم و تعاریف ارائه شده درباره مقوله «توانمندسازی»، همواره از مباحثی پویا و پرشور بوده است (اعرابی و فیاضی، ۱۳۸۸). توانمندسازی به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آنها مؤثر است. یعنی فراهم آوردن فضایی که افراد بتوانند ایده‌های خود را بیافرینند و بر آن جامه عمل پوشند (Evans, 1992: 135-147). در واقع، توانمندسازی به دنبال این است که مردم بتوانند خود آغازگر، کنترل‌کننده و رهبر توسعه باشند و در عین حال توان مشارکت آزادانه در پروژه‌ها و طرح‌های توسعه را نیز داشته باشند (Lekoko & Merwe, 2006: 323-332). به عبارت دیگر، به توسعه و بسط دارایی‌ها و توانایی‌های فقرا برای مشارکت، گفتگو و چانه‌زنی، تاثیر، کنترل و مسئولیت‌پذیر کردن موسسات و نهادهایی که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارند، توانمندسازی گفته می‌شود (نارایان، ۱۳۹۵). ایلن و بامبرگر توانمندسازی را به عنوان یک پدیده انگیزشی تعریف می‌کنند که بر مفهوم خود-سودمندی، خودتأثیری و حس سلطه شخصی تاکید دارد، ولی افراد دیگری نظیر توماس و ولتوس استدلال می‌کنند که توانمندسازی باید این دید را بدهد که یک مجموعه، منظری از ادراکات است که علاوه بر خودسودمندی، باید ترکیبی از مفاهیم: معنی‌داری، خودتعیینی و خودتأثیری نیز باشد (آقایار، ۱۳۸۲). بر این اساس، توانمندسازی فرایند ایجاد تغییر از

پایین به بالاست یعنی ظرفیت‌های بالقوه‌ای را برای بهره‌برداری از سرچشمه توانایی انسانی که از آن استفاده کامل نمی‌شود، در اختیار سازمان‌ها می‌گذارد (بزاز جزایری، ۱۳۸۴). گزارش توسعه انسانی اشاره دارد که توسعه باید در اطراف مردم موج باشد نه مردم به دور توسعه و توسعه باید موجب توانمندسازی و تفویض اختیار به افراد و گروه‌ها شود و نه تضعیف آنان (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۷). بنابراین می‌توان گفت بی شک زمانی سکونتگاه‌های روستایی از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار می‌شوند و به توانمندسازی دست می‌یابند که دسترسی به منابع و امکانات جهت ارتقای ظرفیت‌های شناختی، تسهیل مبادلات، توسعه زیرساخت‌ها و مهارت در تصمیم‌گیری فراهم باشد (گرچی، ۱۳۸۹). به هر حال، محققان و سیاستگذاران توسعه، توانمندی اجتماعی را شاخصی می‌دانند که موقعیت اجتماعی فرد را در جامعه نشان می‌دهد. آنها شاخص‌های متفاوتی را جهت سنجش توانمندی اجتماعی مورد استفاده قرار می‌هند. در این راستا، برخی از آنها، شاخص‌های دسترسی به اطلاعات، سرمایه، شبکه‌ای از اعتماد در روابط و مهارت در تصمیم‌گیری را مورد استفاده قرار داده‌اند، برخی دیگر، مشارکت، رهبری، ساختار سازمانی، ارتباط با دیگران، برنامه‌ریزی راهبردی (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۰، Laverack, 2003) و گروهی دیگر، آموزش، دسترسی به زیرساخت‌ها و پناهگاه را مورد بررسی قرار داده‌اند (Abrar-ul-hag et al, 2016: 2). بر اساس جمع‌بندی دیدگاهها و نظریه‌های موجود، توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مستلزم حذف موانع و محدودیت‌های متنوعی است که هر یک از آنها می‌توانند از بهبود وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی پیشگیری نموده، دامنه انتخاب‌های آنها را محدود نمایند و نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی خانوارها را در پی داشته باشد.

### پیشینه تحقیق

با توجه به مطالعات صورت گرفته در حوزه توانمندسازی روستائیان می‌توان گفت اکثر مربوط به مولفه‌های موثر بر توانمندسازی روستائیان بوده است و کمتر به محدودیت‌های اجتماعی اشاره شده است. بر همین اساس در این تحقیق تلاش شده است تا ضمن بررسی وضعیت شاخص‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، محدودیت‌های موثر در توانمندسازی اجتماعی آنها مورد بررسی قرار دهد و نهایتاً روستاهای مورد مطالعه با کمک نرم‌افزارهای SPSS, Expert Choice و ArcGIS، بر اساس شدت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی، رتبه‌بندی و تحلیل فضایی شوند که این امر، اقدام قابل توجهی در مطالعات روستایی مرتبط با موضوع مورد مطالعه محسوب می‌گردد.

کتابی و همکاران (۱۳۸۲)، به بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه روستا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی، عوامل موثری در توانمندسازی زنان هستند. سعدی و همکاران (۱۳۹۱)، نیز در سنجش میزان توانمندی اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن در استان

همدان، به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای رضایت از شغل قالبیابی، سطح دانش تخصصی و سطح تحصیلات به عنوان عوامل موثر و تعیین‌کننده در توانمندسازی آنها شناخته شده‌اند.

حیدری ساربان (۱۳۹۱)، به بررسی نقش توانمندسازی در توسعه روستایی در مناطق روستایی شهرستان مشکین شهر پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که ارتباط معنادار بین توانمندسازی و توسعه روستایی وجود دارد و می‌توان استنباط نمود که رابطه بسیار قوی با جهت مثبت میان سطح توسعه روستاهای نمونه تحقیق با ابعاد خودتعیینی، شایستگی، معنی‌داری، اعتماد و تأثیر وجود دارد.

فرضی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، نیز درک بومی از توانمندی اجتماعی جامعه زنان روستایی را با روش کیفی بررسی نموده‌اند. یافته‌ها نشان داد که تأثیر ساختار فرصت به ویژه نهادهای غیررسمی بر توانمندی بسیار تعیین‌کننده است و هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی است. بندرز و نیک‌نامی (۱۳۹۲)، به شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی- های روستایی زنان استان ایلام پرداختند، نتایج مبین آن بود که متغیر مدیریت مشارکتی در تعاونی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر توانمندسازی اعضای می‌باشد.

رضائی و زارعی (۱۳۹۳)، به بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان در روستای حسن خان شهرستان قروه پرداختند. نتایج نشان داد که افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان روستایی شامل انسجام، مشارکت و اعتماد اجتماعی، به طور مستقیم به توانمندسازی آنان منجر می‌شود. قنبری و انصاری (۱۳۹۴)، به شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر توانمندسازی زنان روستایی شهرستان رستم پرداختند. نتایج نشان داد که اساسی‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی زنان عواملی نظیر پایین بودن میزان تحصیلات، وجود تعصبات خانوادگی، نبود حمایت‌های قانونی و همچنین نبود فرصت‌های شغلی می‌باشد. ریفکین<sup>۲</sup> (2003)، در مقاله خود تحت عنوان چارچوب اتصال تقویت جامعه محلی و برابری بهداشت، به این نتیجه رسیده است که توانمندسازی فرایندی است که به واسطه آن، افراد بر امور و کارهای خود تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال می‌توانند مسیر زندگی‌شان را به درستی هدایت کنند. آکپابو<sup>۳</sup> (2009)، به مطالعه تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر توانمندسازی زنان روستایی در نیجریه پرداخت. نتایج نشان داد که سازمان‌های غیردولتی زنان (WNGOs) کمک شایانی به بهبود فعالیت‌های

---

<sup>2</sup>. Rifkin

<sup>3</sup>. Akpabio

اجتماعی و تقویت مشارکت در میان زنان روستایی می‌کنند. تسی<sup>۴</sup> (2010)، به مطالعه تاثیر توانمندسازی در غنای روستایی در استرالیا پرداخت. نتایج نشان داد که مهمترین چالش‌های پیش‌روی جوامع، نابرابری‌های اجتماعی و محرومیت هستند. میترا و کانودو (2012)، در بررسی نحوه توانمندسازی روستاییان، در بخش بنگال غربی هند، نتیجه گرفتند که سطح توانمندی روستاییان مطالعه شده در ابعاد مختلف، پایین است. بر اساس نتایج پژوهش، کمیت و کیفیت تعامل میان افراد و اعتماد روستاییان به یکدیگر از تاثیر درخور توجهی بر توانمندسازی آنان برخوردار بود. چنگ<sup>۵</sup> (2013)، به بررسی میزان تاثیر جریان اطلاعات بر توانمندسازی اجتماعی در روستاهای چین پرداخت. نتایج نشان داد که ورود جریان اطلاعات به ویژه پذیرش تلفن همراه توسط روستاییان نه تنها افراد را قادر می‌سازد که قدرت چانه‌زنی بیشتری در بازار نشان دهند بلکه ورود جریان اطلاعات یک ابزار موثر برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و افزایش توانمندی اجتماعی در روستاهای چین است. الشیک و الامین<sup>۶</sup> (2013)، به بررسی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان در سودان پرداختند. نتایج نشان داد که سیاست‌ها و استراتژی‌های بهبود توانمندسازی زنان شامل افزایش دسترسی به امکانات، ارائه آموزش و ترویج قابلیت‌های زنان، از عوامل موثر در توسعه است. موهانتی<sup>۷</sup> و همکاران (2013)، به بررسی توانمندسازی اجتماعی زنان در مناطق روستایی اوریسا از طریق شرکت در گروه‌های خودیاری پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت در گروه‌های خودیاری باعث افزایش اعتماد به نفس، مهارت و بهبود سطح آموزش زنان در مناطق روستایی اوریسا هند شده است. چاپیندولا و موانجا<sup>۸</sup> (2015)، به بررسی نقش بانک‌های انجمن‌های روستایی در توانمندسازی اجتماعی زنان در خانواده، در جوامع روستایی منطقه متوارا در تانزانیا پرداختند. یافته‌ها نشان داد که نقش اقتصادی این بانک‌ها، قادر به توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی این منطقه از طریق افزایش اعتماد به نفس آنها، افزایش احترام، ایجاد یک حس اجتماعی ارزشمند بودن و همچنین غلبه بر خجالت‌زدگی از اجتماع بوده است.

---

4. Tsey

5. cheng

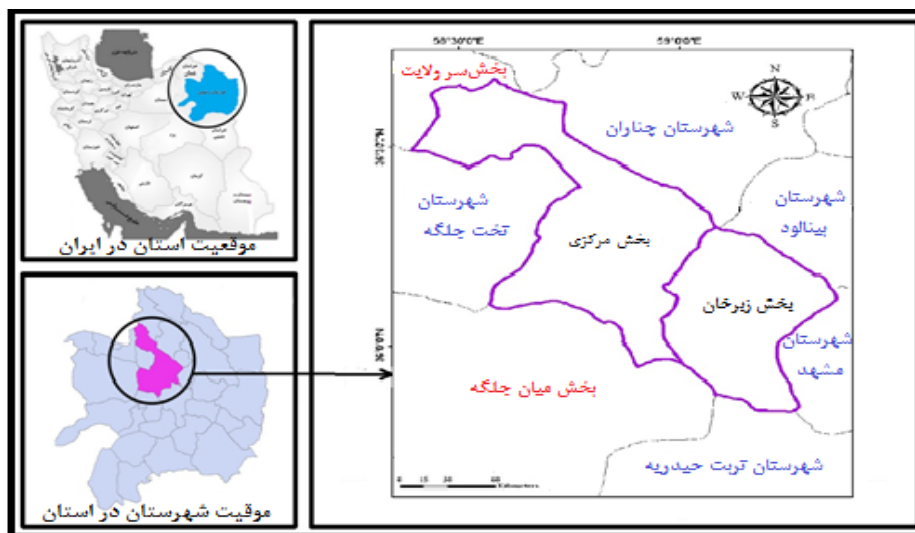
6. Elsheikh & Elamin

7. Mohanty

8. Chipindula & Mwanga

### قلمرو جغرافیایی تحقیق

نیشابور یکی از شهرستان‌های استان خراسان رضوی است که از نظر تقسیمات سیاسی از چهار بخش مرکزی، زبرخان، سرولایت و میان‌جلگه تشکیل شده است. محدوده مورد مطالعه، از شمال به شهرستان‌های چناران، قوچان و بخش سرولایت، از شرق به شهرستان‌های مشهد و بینالود، از جنوب به شهرستان تربت‌حیدریه و بخش میان‌جلگه و از غرب نیز به شهرستان تخت‌جلگه محدود می‌گردد (شکل ۲). این محدوده با مساحت ۳۳۰۳ کیلومتر مربع، دارای ۳۱۰ آبادی، ۳۳۰۴۱ خانوار و ۱۱۰۴۲۰ نفر جمعیت می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۲: موقعیت محدوده مورد مطالعه به تفکیک بخش‌ها در شهرستان نیشابور

### روش تحقیق

این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده است و مطالعات میدانی به کمک ابزار اصلی که همان پرسشنامه می‌باشد و تکمیل فرم‌های مشاهدات میدانی صورت گرفته است. پرسشنامه‌های روستا با کمک خبرگان محلی (اعضای شورای اسلامی روستا و ریش سفیدان ساکن در آنها) و پرسشنامه‌های خانوار نیز توسط سرپرستان خانوارها تکمیل شده است. در این راستا، ابتدا از بین ۲۲۹ روستای بالای ۲۰ خانوار واقع در بخش‌های زبرخان و مرکزی شهرستان نیشابور، با استفاده از فرمول کوکران و فرمول اصلاحی، ۳۷ روستا به عنوان روستای نمونه محاسبه و به روش تصادفی طبقاتی انتخاب گردید (شکل ۳). سپس بر اساس تعداد خانوارهای ساکن در این روستاها و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۷۳ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه‌های خانوار محاسبه و به تناسب فراوانی خانوارهای ساکن در هر روستا، تعداد خانوار نمونه آن روستا تعیین و با روش تصادفی ساده، خانوارهای نمونه انتخاب و نهایتاً پرسشنامه‌های خانوار تکمیل گردید.

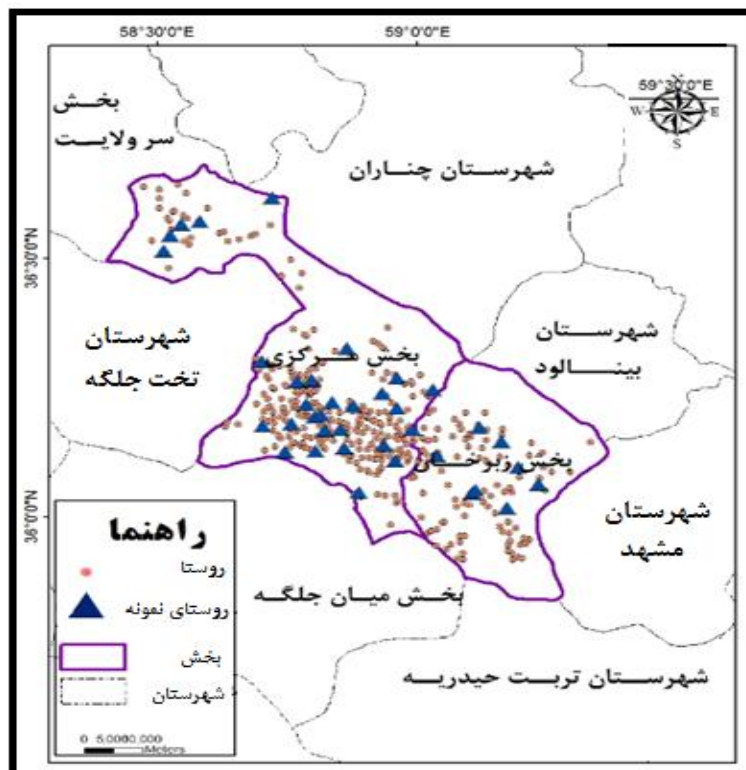
در ارزیابی روایی محتوایی پرسشنامه از قضاوت افراد خبره در محیط دانشگاه و کارشناسان مربوط استفاده گردید. پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۷ درصد برآورد گردیده است که با توجه به آستانه‌های در نظر گرفته شده در منابع علمی معتبر، از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار بوده است. از طرف دیگر، در تجزیه و تحلیل اطلاعات، برای تعیین درجه اهمیت شاخص‌ها، از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و نرم افزار Expert Choice و برای تعیین شدت محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه و سطح تاثیرگذاری عوامل مختلف در بروز این محدودیت‌ها و تحلیل‌های فضایی و آماری تحقیق، از نرم‌افزارهای SPSS و ArcGIS استفاده شده است. در جمع‌بندی داده‌ها نیز از روش ترکیب وزنی استفاده گردید که رابطه مورد استفاده در این روش به صورت زیر می‌باشد:

$$Z_i = \sum_j W_j X_{ij} \quad \text{رابطه ۶:}$$

$Z_i$  = شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی ارزیابی شده برای خانوار  $i$  ( $i = 1, 2, 3, \dots, m$ )

$W_j$  = درجه اهمیت شاخص  $j$

$X_{ij}$  = نمره استاندارد شده شاخص  $j$  برای خانوار  $i$



شکل ۳: چگونگی پراکنش روستاهای نمونه در سطح محدوده مورد مطالعه



### تعریف عملیاتی متغیرها

در هر تحقیق علمی برای پاسخ به سؤالات تحقیق و یا آزمون فرضیه‌ها، تشخیص متغیرها امری ضروری است. جدول ۱، شاخص‌های توانمندسازی و زیرگروه‌های هر یک از این شاخص‌ها را نشان می‌دهد. شاخص‌های مورد مطالعه، متناسب با شرایط منطقه و از بین طیف گسترده‌ای از شاخص‌های مرتبط با هر بخش گزینش شده‌اند و وضعیت آنها نیز به دو صورت کمی (مثل نرخ رشد جمعیت روستا) یا کیفی (مثل سطح اعتماد به دهیاری و شورا) مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های مورد توجه در بررسی موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی

بعد اجتماعی			
مؤلفه	شاخص	مؤلفه	شاخص
مشکلات سازمانی	سطح سواد	دسترسی به کارشناسان جهت دریافت مشاوره	ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار
	سطح مهارت برای فعالیت‌های تولیدی مرتبط	حمایت سازمان‌های دولتی جهت اشتغال افراد تحت پوشش	
	نوآوری و خلاقیت فردی در امور تولیدی	امکان دریافت وام خودکفایی	
	تمایل برای فعالیت‌های کشاورزی و تولیدی	کفایت مبلغ وام خودکفایی جهت ایجاد اشتغال	
	سخت‌کوشی در زندگی	امکان کسب مهارت‌های لازم برای افزایش راندمان تولید	
	علاقه به کسب موفقیت و پیشرفت	امکان دریافت خسارت مربوط به بیمه محصولات کشاورزی	
	روحیه کار و اشتغال	میزان اعتبارات وام‌های خوداشتغالی	
	ترس از شکست در کار و اشتغال	دسترسی به اعتبارات و تسهیلات تولیدی	
	تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزای دیگر	تأثیر دهیاری و شورای اسلامی روستا در حل مشکلات	
	عادت داشتن به بی پولی	تأثیر مراکز خدمات روستایی در حل مشکلات	
	بهره‌مندی از امکانات مناسب آموزشی		
احساس یاس و ناامیدی	دسترسی به رسانه‌ها		
میزان رضایت از خود	دسترسی به کتابخانه		
تصور محکوم بودن به زندگی فقیرانه	میزان مطالعه کتب و مجله		
پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی	فرصت ادامه تحصیل فرزندان		
میزان مشارکت در فعالیت‌های کشاورزی	سطح دانش فنی بین روستاییان		
مشارکت در مراسم مذهبی و محلی	ماندگاری نیروهای با سواد در روستا	سطح رضایت	مشارکت
مشارکت در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات	رضایت از مسکن		
مشارکت روستاییان در امور مالی روستا	رضایت خانواده از فعالیت‌های معیشتی سرپرست خانوار		
مشارکت روستاییان در امور عمرانی روستا	رضایت خانواده از درآمد سرپرست خانوار		
مشارکت مالی برای کمک به افراد نیازمند	رضایت خانواده به سطح امکانات روستا		
همکاری همسایگان در کارهای تولیدی	رضایت خانواده برای زندگی در روستا		
شرکت در برنامه‌های آموزشی و ترویجی	تمایل خانواده برای ماندگاری در روستا		
همکاری روستاییان با دهیار و شورای روستا		معضلات خانوادگی	مشارکت
مشارکت سیاسی روستاییان	وجود مشکل اعتماد در سطح خانواده		
اعتماد مردم روستا به یکدیگر	وجود مشکل طلاق در سطح خانواده		
اعتماد به دهیاری و شورا	فوت سرپرست خانوار		

اعتماد به مراکز خدمات روستایی		زندانی بودن سرپرست خانوار
درصد افراد دارای مشکل اعتیاد به مواد مخدر	ز	برخورداری از تسهیلات و امکانات بهداشتی
وجود خودکشی	س	پوشش بیمه درمانی
میزان طلاق	مشکلات جسمی و روحی	معلولیت و بیماری جسمی یا روحی سرپرست خانوار
دسترسی به پاسگاه امنیتی		کهولت سن سرپرست خانوار
میزان سرقت در سطح روستا		وجود فرد یا افراد معلول یا دارای بیماری صعب العلاج در خانواده
میزان مزاحمت و شرارت در سطح روستا		

## یافته‌های پژوهش

### نتایج توصیفی

بررسی اطلاعات عمومی پاسخگویان پرسشنامه‌های خانوار مؤید آن است که ۵۸/۴ درصد از پاسخگویان، مرد و ۴۱/۶ درصد آنها نیز زن بوده‌اند. بررسی وضعیت ترکیب سنی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۱۸ درصد پاسخگویان دارای سن کمتر از ۳۰ سال، ۲۴/۴ درصد آنها ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۷/۷ درصد آنها ۴۰ تا ۴۹ سال، ۱۹/۶ درصد آنها ۵۰ تا ۵۹ سال و ۲۰/۳ درصد آنها نیز دارای سن ۶۰ سال یا بالاتر می‌باشند. از نظر وضعیت سواد نیز بیشترین فراوانی افراد پاسخگو در سطح تحصیلات ابتدایی می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲: وضعیت تحصیلی پاسخ دهندگان

ردیف	تحصیلات	فراوانی	درصد	ردیف	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۱	بی سواد	۱۱۷	۳۱/۴	۴	دیپلم و فوق دیپلم	۲۴	۶/۴
۲	ابتدایی	۱۶۹	۴۵/۳	۵	لیسانس و بالاتر	۲	۰/۵
۳	راهنمایی	۶۱	۱۶/۴	۶	کل	۳۷۳	۱۰۰

### نتایج تحلیلی

بررسی شاخص‌های مطرح در مشارکت نشان می‌دهد که، مشارکت در مراسم مذهبی و محلی به دلیل اعتقادات راسخ مردم به مسایل مذهبی (به علت قرار گرفتن شهرستان نیشابور در جوار بارگاه مطهر امام رضا (ع) و همچنین سادات بودن اکثریت ساکنان) با میانگین ۳/۹۰ بالاترین رتبه و شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی به علت عدم برگزاری این کلاسها در اکثریت روستاها و کم توجهی به این موضوع از سوی جهاد کشاورزی در روستاهای دورتر از مرکز شهرستان با میانگین ۱/۷۸ کمترین رتبه را کسب نموده‌اند. از سوی دیگر، مشارکت اعضای خانوار در فعالیت‌های کشاورزی در سال‌های اخیر به دلیل مشغول شدن تعداد زیادی از فرزندان به تحصیل در سطوح مختلف کمرنگ جلوه میکند. همچنین در ارتباط با سطح رضایت، گویه‌های تمایل خانواده برای ماندگاری در روستا به دلیل

پیری جمعیت و داشتن تعلق مکانی به ویژه وابستگی به زمین کشاورزی با میانگین ۳/۲۸ و رضایت خانواده از درآمد سرپرست خانوار با میانگین ۲/۴۵ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳: وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشارکت و سطح رضایت

شاخص-ها	گویه‌ها	درصد					میانگین	ضریب تغییرات
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
مشارکت	مشارکت برای حل مشکلات	۳/۲	۱۰/۲	۴۸/۸	۱۵/۸	۲۲	۳/۴۳	۱/۰۴
	مشارکت در امور مالی	۳/۵	۱۳/۷	۴۷/۵	۲۵/۵	۹/۹	۳/۲۴	۰/۹۳
	مشارکت در امور عمرانی	۲/۷	۱۳/۴	۴۸/۸	۲۳/۳	۱۱/۸	۳/۲۸	۰/۹۳
	مشارکت اعضا در امور کشاورزی	۳/۰۹	۱۱/۵۰	۳۰/۳۸	۳۰/۰۸	۲۴/۹۵	۲/۴۵	۱/۹۱
	مشارکت مالی برای افراد نیازمند	۱۰/۵	۲۳/۹	۳۴/۳	۱۸/۲	۱۳/۱	۲/۹۹	۱/۱۶
	همکاری همسایگان	۱۷/۴	۲۲	۴۲/۴	۱۶/۱	۲/۱	۲/۶۳	۱/۰۱
	شرکت در کلاس‌های آموزشی	۲۸/۷۸	۱۳/۸۰	۲۹/۰۷	۲۳/۲۰	۵/۱۵	۱/۷۸	۱/۶۰
	مشارکت در مراسم مذهبی و محلی	۱/۳	۴/۸	۲۴/۹	۳۹/۹	۲۹	۳/۹۰	۰/۹۱
	میزان همکاری با دهیار و شورا	۱/۳	۵/۹	۳۹/۴	۳۷/۵	۱۵/۸	۳/۶۰	۰/۸۶
	مشارکت در امور سیاسی	۰/۸	۶/۲	۳۲/۷	۳۸/۱	۲۲/۳	۳/۷۴	۰/۸۹
سطح رضایت	رضایت برای زندگی در روستا	۴/۳	۱۴/۷	۵۰/۴	۱۶/۶	۱۳/۹	۳/۲۱	۱
	رضایت از سطح امکانات روستا	۱۷/۲	۲۳/۶	۴۸/۸	۷/۵	۲/۹	۲/۵۵	۰/۹۵
	رضایت از فعالیت‌های معیشتی	۱۲/۳	۳۱/۶	۴۱/۶	۱۰/۲	۴/۳	۲/۶۲	۰/۹۷
	رضایت از مسکن	۱۰/۵	۲۷/۹	۴۲/۱	۱۱/۳	۸/۳	۲/۷۹	۱/۰۴
	رضایت خانواده از درآمد	۱۵/۵	۳۳/۸	۴۲/۹	۵/۶	۲/۱	۲/۴۵	۰/۸۹
	تمایل برای ماندگاری در روستا	۸	۱۷/۷	۳۷/۳	۱۱/۳	۲۵/۷	۳/۲۸	۱/۲۴

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که اعتماد مردم روستا به یکدیگر به دلیل شناخت کامل ساکنین از یکدیگر و نسبت خویشاوندی آن‌ها در بیشتر روستاها با میانگین ۳/۴۵ بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است و بالعکس ساکنین به میزان کمی به مراکز خدماتی، دهیار و شوراها اعتماد دارند و

مدعی هستند که این افراد فعالیت قابل توجهی در قبال توسعه روستا انجام نمی‌دهند و تنها نام حامیان روستا را یدک می‌کشند که این موضوع خود می‌تواند ناشی از عوامل مختلف از جمله کمبود بودجه از سمت دولت باشد. همچنین قابل ذکر است که پدیده خودکشی از شاخص‌های مهم در مقوله سرمایه اجتماعی می‌باشد که خوشبختانه جز تعداد انگشت‌شماری در روستاهای مورد نظر مشاهده نشده است.

همچنین نتایج بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با امکانات آموزشی در روستاهای مورد مطالعه نشان داد که در همه روستاها دسترسی به رسانه با میانگین ۳/۰۵ بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده‌است. قابل ذکر است که گویه‌های فرصت ادامه تحصیل فرزندان با میانگین ۱/۲۱ و میزان مطالعه کتب و مجلات با میانگین ۱/۹۱ پایین‌ترین رتبه را در این بخش به خود اختصاص داده‌اند که علت این امر عدم وجود مدارس در سطوح بالا و مشکلات رفت و آمد به روستاهای مجاور به ویژه ناتوانی مالی اکثر خانواده‌ها در پرداخت هزینه سرویس فرزندان و عدم وجود کتابخانه در سطح روستاها می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴: وضعیت شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی و امکانات آموزشی

شاخص‌ها	گویه‌ها	درصد					میانگین	ضریب تغییرات
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
اجتماعی	اعتماد مردم روستا به یکدیگر	۴	۱۱/۸	۴۰/۸	۲۱/۷	۲۱/۷	۳/۴۵	۱/۰۷
	اعتماد به دهیاری و شورا	۳/۲	۹/۹	۴۶/۴	۲۳/۱	۱۷/۴	۳/۴۱	۰/۹۹
	اعتماد به مراکز خدمات روستایی	۲/۹	۱۳/۱	۴۹/۳	۱۶/۶	۱۸	۳/۳۳	۱/۰۱
امکانات آموزشی	دسترسی به رسانه‌ها	۹/۱	۳۰/۸	۲۶	۱۳/۷	۲۰/۴	۳/۰۵	۱/۲۷
	دسترسی به کتابخانه و مطالعه کتب	۳۶/۷	۳۹/۷	۱۹/۳	۳/۸	۰/۵	۱/۹۱	۰/۸۶
	فرصت ادامه تحصیل فرزندان	۲۵/۷	۳۳	۳۶/۷	۲/۷	۱/۹	۱/۲۱	۰/۹۲
	آشنایی با رایانه	۲۱/۴	۲۸/۴	۴۲/۴	۶/۴	۱/۳	۲/۳۷	۰/۹۳

از سوی دیگر، بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار بیانگر آن است که از بین گویه‌های مذکور، تمایل برای انجام فعالیت‌های درآمدزای دیگر با میانگین ۳/۷۱ بیشترین رتبه را کسب نموده است، علت این امر نارضی بودن تعداد کثیری از سرپرستان خانوار از درآمد و شغل فعلی خویش (کشاورزی، دامداری، کارگری و ...) می‌باشد که خود ناشی از کم‌آبی، نداشتن زمین کشاورزی و فصلی بودن اکثر مشاغل در روستاهای مورد مطالعه است. همچنین، پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی با میانگین ۱/۷۸ با استقبال

بسیار کمی از سوی ساکنین روستایی مواجه شده و پایین ترین رتبه را از نظر پاسخگویان به خود اختصاص داده است که مهمترین دلایل آن بالا بودن قیمت ابزارآلات نوین کشاورزی، ناتوانی مالی کشاورزان در تهیه ماشین آلات، کوچک بودن زمین های کشاورزی و گرایش به کشت سنتی به دلیل عدم آشنایی با نحوه استفاده از تکنولوژی های جدید کشاورزی از طرف بسیاری از کشاورزان روستایی می باشد (جدول ۵).

جدول ۵: وضعیت شاخص های مرتبط با ویژگی های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار

ضریب تغییرات	میانگین	درصد					گونه ها	شاخص - ها
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۰/۹۶	۳/۱۷	۷/۵	۲۸/۷	۴۳/۴	۱۴/۷	۵/۶	میزان رضایت از خود	ویژگی های شخصیتی و فردی سرپرست خانوار
۰/۹۶	۳/۴۲	۱۲/۳	۳۵/۱	۳۹/۴	۸/۸	۴/۳	علاقه به کسب موفقیت	
۱/۰۸	۳/۰۱	۸/۳	۲۳/۱	۴۲/۶	۱۳/۹	۱۲/۱	ترس از شکست در کار و اشتغال	
۰/۹۳	۳/۲۸	۱۴/۲	۱۶/۶	۵۴/۴	۱۲/۶	۲/۱	سطح مهارت برای فعالیت های تولیدی مرتبط	
۱/۰۷	۳/۰۸	۱۱/۸	۱۹/۳	۴۱/۳	۲۰/۶	۷	نوآوری و خلاقیت فردی	
۱/۰۶	۳/۴۸	۲۱/۷	۲۳/۳	۴۱/۳	۹/۴	۴/۳	تمایل برای فعالیت های کشاورزی و تولیدی	
۱/۰۷	۳/۶۸	۲۶/۳	۳۲/۴	۲۸/۲	۹/۷	۳/۵	سخت کوشی در زندگی	
۱/۰۵	۳/۶۴	۲۷/۳	۲۴/۴	۳۴/۹	۱۱/۸	۱/۶	روحیه کار و اشتغال	
۱/۰۷	۳/۷۱	۳۱/۱	۲۳/۳	۳۲/۲	۱۰/۲	۲/۱	تمایل برای انجام فعالیت های درآمدزا	
۱/۵۱	۳/۴۵	۲۰/۶	۲۰/۴	۴۵	۱۲/۱	۱/۹	عادت داشتن به بی پولی	
۱/۵۱	۱/۷۸	۷/۹۸	۴/۲۷	۴۹/۴۱	۲۰/۲۰	۱۸/۱۴	پذیرش فناوری های جدید	
۱/۱۲	۲/۸۸	۱۱/۳	۱۰/۲	۴۷/۶	۱۷/۷	۱۳/۲	احساس یاس و ناامیدی	
۱/۰۶	۲/۷۴	۸/۳	۸/۳	۴۶/۶	۲۳/۱	۱۳/۷	تصور محکوم بودن به فقر	

همچنین نتایج حاصل از بررسی مشکلات سازمانی پاسخگویان گویای آن است که امکان دریافت وام خودکفایی با میانگین ۳/۲۱ بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است و روستاییان برخلاف سایر وام ها، برای دریافت وام خودکفایی با موانع و مشکلات کمتری رو به رو هستند، بررسی ها نشان داد که تعدادی از ساکنین این وام را از

کمیته امداد و اداره رفاه دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر، امکان دریافت خسارت مربوط به بیمه محصولات کشاورزی با میانگین ۱/۴۳ کمترین رتبه را از نظر پاسخگویان کسب نموده و خود عامل نارضایتی از عملکرد بیمه-های مربوط به کشاورزی و عدم اعتماد کشاورزان به این قبیل بیمه‌ها شده است (جدول ۶).

جدول ۶: وضعیت شاخص‌های مرتبط با مشکلات سازمانی

شاخص-ها	گویه‌ها	درصد					میانگین	ضریب تغییرات
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد		
مشکلات سازمانی	دسترسی به کارشناسان مشاوره	۳۷/۵	۳۰/۸	۲۹/۵	۱/۶	۰/۵	۱/۹۶	۰/۸۸
	حمایت جهت اشتغال افراد تحت پوشش	۳۰/۳	۲۹/۲	۳۸/۶	۱/۶	۰/۳	۲/۱۲	۰/۸۷
	امکان دریافت وام خودکفایی	۲۴/۱	۳۱/۱	۴۴	۰/۸	۰	۳/۲۱	۰/۸۱
	کفایت مبلغ وام خودکفایی جهت اشتغال	۲۱/۷	۳۷/۳	۳۸/۱	۲/۷	۰/۳	۲/۲۲	۰/۸۲
	امکان کسب مهارت برای افزایش تولید	۰/۵	۲۱/۴	۳۴/۳	۴۲/۱	۱/۶	۲/۲۲	۰/۸۱
	امکان دریافت خسارت کشاورزی	۳۰/۵۷	۳۷/۵۷	۲۷/۵۹	۳/۸۵	۰/۴۲	۱/۴۳	۱/۱۹
	میزان اعتبارات وام‌های خوداشتغالی	۰/۵	۲۱/۴	۳۶/۲	۴۱	۰/۸	۲/۲۰	۰/۷۹
	دسترسی به اعتبارات و تسهیلات تولیدی	۱۳/۷	۴۲/۹	۴۱/۶	۱/۶	۰/۳	۲/۳۱	۰/۷۳
	تأثیر دهیاری و شورای در حل مشکلات	۱۰/۷	۳۴/۶	۳۴/۶	۱۰/۲	۹/۹	۲/۷۳	۱/۰۹
	تأثیر مراکز خدمات در حل مشکلات	۸	۳۰/۶	۴۶/۱	۹/۱	۶/۲	۲/۷۴	۰/۹۵

از طرف دیگر، نتایج بررسی شاخص‌های مربوط به مشکلات جسمی و روحی و معضلات اجتماعی خانواده نشان داد، که از ۳۷۳ خانوار نمونه، ۱۵ درصد خانوارها دارای فرد معلول یا بیمار صعب‌العلاج هستند، که طبق مطالعات انجام شده ۷۶ درصد این معلولیت‌ها مادرزادی بوده و ۲۴ درصد مربوط به بیماری‌هایی نظیر سرطان و تصادفات جاده‌ای می‌باشد.

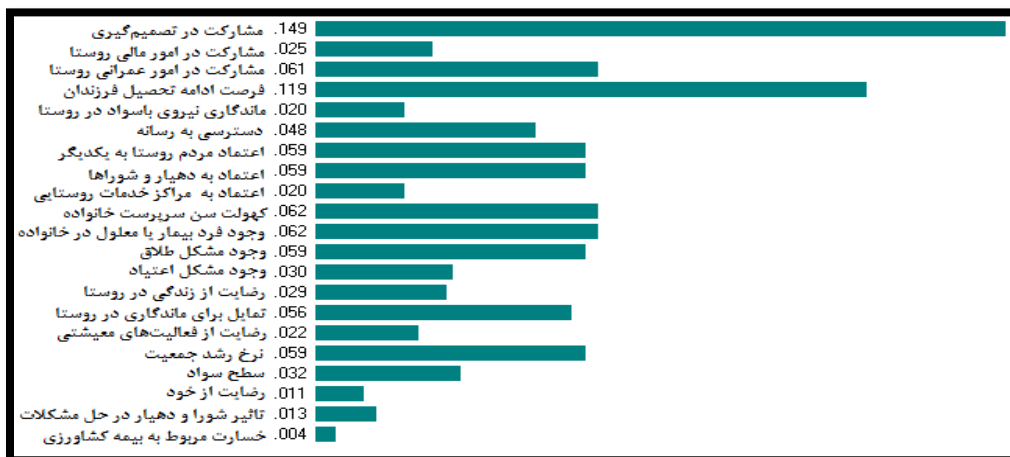
وضعیت اعتیاد در خانوارهای روستایی مورد مطالعه بیانگر آن است که تعداد ۳۳ خانوار (معادل ۸/۸ درصد خانوارها) از معضل اجتماعی اعتیاد رنج می‌برند، که این معضل بیشتر در روستاهای نزدیک به مرکز شهرستان مشهود است. همچنین بررسی میزان طلاق در خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که تعداد ۴۴ خانوار روستایی (معادل ۱۱/۸ درصد خانوارها) دارای مشکل طلاق یا پدیده چند همسری هستند.

از دیگر جهت، نتیجه آزمون همبستگی پیرسون (Pearson) در بررسی ارتباط بین معضل اجتماعی طلاق و وجود مشکل اعتیاد در خانواده، مؤید آن است که با سطح معناداری ۰/۰۰۴ بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰/۵۳۱ می‌باشد که با توجه به مقادیر حاصل، با سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین این دو متغیر، ارتباط مستقیم و معنادار با همبستگی متوسط برقرار است (جدول ۷). بر این اساس می‌توان گفت که افزایش میزان اعتیاد سبب بالا رفتن میزان طلاق در خانوارهای روستایی مورد مطالعه و از هم گسیختن بنیان خانواده می‌گردد.

جدول ۷: نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

	اعتیاد	طلاق
آزمون پیرسون اعتیاد	1	.531
سطح معنی داری		.004
جامعه	373	373
پیرسون طلاق	.531	1
سطح معنی داری	.004	
جامعه	373	373

مقایسه زوجی شاخص‌های مرتبط با توانمندسازی اجتماعی (که بر اساس نظرات ۱۲ نفر از خبرگان محلی و استفاده از نرم‌افزار Expert Choice انجام گردیده است) مؤید آن است که شاخص مشارکت در تصمیم‌گیری برای حل مشکلات روستا با ضریب ۰/۱۴۹ دارای بیشترین درجه اهمیت و شاخص دریافت خسارت مربوط به بیمه کشاورزی با ضریب ۰/۰۰۴ کمترین درجه اهمیت را در راستای هدف مورد نظر به خود اختصاص می‌دهند (شکل ۴).



شکل ۴: وزن‌های حاصل از مقایسه زوجی شاخص‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی به هر حال، جمع‌بندی داده‌ها به روش ترکیب وزنی (بر اساس شاخص‌های استاندارد شده و درجه اهمیت آنها) برای بررسی سطح موانع و محدودیت‌های اجتماعی مطرح در توانمندسازی خانوارهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در ۱۷/۴۳ درصد از این خانوارها، سطح موانع و محدودیت‌ها در حد زیاد تا بسیار زیاد می‌باشد (جدول ۸).

جدول ۸: وضعیت خانوارهای مورد مطالعه به تفکیک شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارها

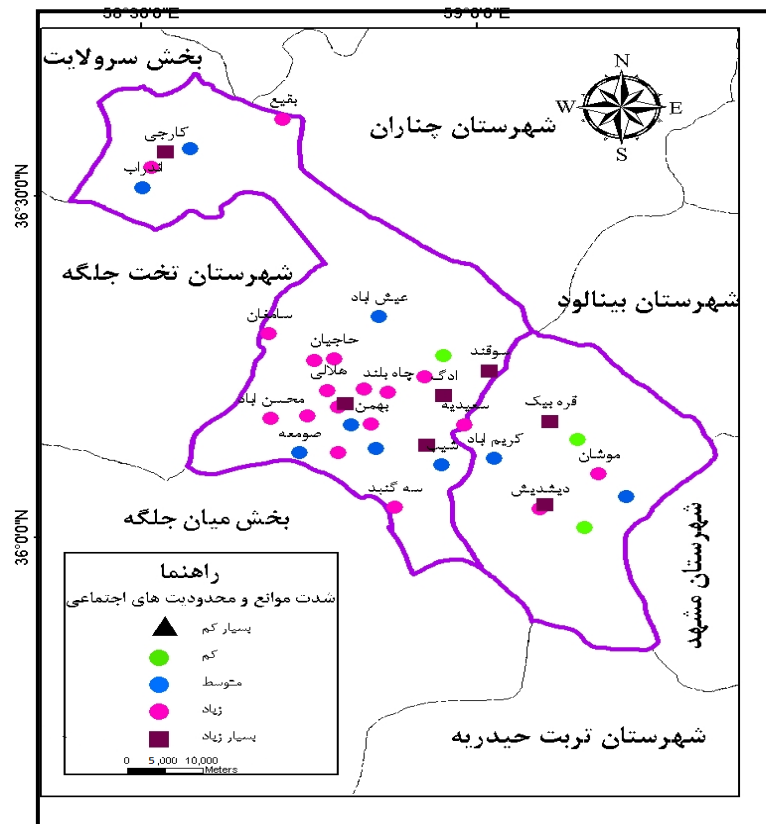
طبقات	شدت موانع و محدودیت‌ها	درصد خانوار
طبقه اول	بسیار کم	۵/۶۳
طبقه دوم	کم	۳۰/۲۹
طبقه سوم	متوسط	۴۶/۶۵
طبقه چهارم	زیاد	۱۶/۳۵
طبقه پنجم	بسیار زیاد	۱/۰۸

همچنین محاسبه شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی مطرح در توانمندسازی روستاهای مورد مطالعه (بر اساس میانگین شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارها) حاکی از آن است که از ۳۷ روستای مورد مطالعه، شدت موانع و محدودیت‌های اقتصادی در ۱۸ روستا در سطح شدید و در ۷ روستا نیز در سطح بسیار شدید (بحرانی)، می‌باشد.

از سوی دیگر، بررسی چگونگی پراکنش روستاهای مورد مطالعه به تفکیک شدت موانع و محدودیت‌های اجتماعی حاکی از آن است که روستاهای با شدت موانع و محدودیت‌های کم غالباً در نیمه جنوبی محدوده مورد مطالعه



پراکنده می‌باشند. در حالی که روستاهای با شدت موانع و محدودیت‌های زیاد و بسیار زیاد در سراسر محدوده مورد مطالعه قابل مشاهده‌اند (شکل ۵). بررسی وضعیت عوامل مؤثر بر موانع و محدودیت‌های اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که روستاهای حسین آباد، قره بیگ، اقبالی، کارچی، مبارکه، ادگ و سوقند عمدتاً به دلیل عدم برخورداری از امکانات آموزشی و بهداشتی مناسب، پایین بودن میزان مشارکت، بالا بودن میزان اعتیاد و طلاق، با بیشترین موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی مواجه می‌باشند. در مقابل، روستاهای نوبهار، حریم آباد و دربخت به دلایلی همچون مشارکت و همبستگی روستاییان در امور مختلف، بالا بودن میزان امنیت در روستا و سطح پایین جرم و شرارت، با کمترین موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی رو به رو می‌باشند.



شکل ۵: شدت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی روستاهای مورد مطالعه

بررسی وضعیت شاخص‌های مرتبط با امنیت در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که در هیچ یک از روستاهای یاد شده پاسگاه امنیتی وجود ندارد و افراد در مواقع لزوم بایستی به مراکز بخش مراجعه کنند. میزان مزاحمت و شرارت در روستاهای مورد مطالعه ۲/۷ درصد و میزان سرقت نیز ۱۰/۸ درصد محاسبه شده است.

همچنین، نتایج مربوط به شاخص دسترسی به تسهیلات و امکانات بهداشتی نشان داد که در ۳۷ روستای نمونه، ۲۱ روستا (معادل ۵۶/۸ درصد) فاقد خانه بهداشت می‌باشند. قابل ذکر است که در هیچکدام از روستاهای ذکر شده، درمانگاه و دامپزشکی وجود ندارد. بررسی وضعیت پوشش بیمه درمانی نیز، بیانگر آن است که ۵/۶ درصد خانوارها فاقد بیمه، ۵/۱ درصد دارای بیمه خدمات درمانی، ۱۶/۱ درصد دارای بیمه تامین اجتماعی و سایر خانوارها معادل ۷۳/۲ درصد تحت پوشش بیمه روستایی می‌باشند. از طرف دیگر، محاسبه نرخ رشد جمعیت روستاهای مورد مطالعه در محدوده سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که ۳۲ درصد از این روستاها دارای رشد منفی جمعیت بوده و با مشکل کاهش جمعیت مواجه‌اند (شکل ۶). با توجه به نتایج پژوهش، انتظار اولیه بر آن است که روستاهای دارای موانع و محدودیت‌های شدید یا بسیار شدید با مهاجرت گسترده خانوارها مواجه باشند. در حالی که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در برخی از این روستاها، به دلیل ساختار سنی سالخورده جمعیت، دیگر انگیزه‌ای برای مهاجرت برای افراد ساکن در آنها باقی نمانده است، چرا که عمدتاً در افراد کهنسال، تعلق و تعصب مکانی خاصی وجود دارد که تحت هیچ شرایطی حاضر به ترک روستای خویش و مهاجرت نمی‌باشند. از سوی دیگر، سیاست‌های دولت برای افزایش میزان زاد و ولد و افزایش جمعیت در برخی از روستاهای دارای ساختار سنی جوان نیز در افزایش جمعیت آنها مؤثر بوده است که وجود روند افزایش جمعیت در آنها را با وجود محدودیت‌های موجود در توانمندسازی موجه نموده است. همچنین وجود طبیعت سرسبز و شرایط آب و هوایی مطلوب در برخی از روستاها (همچون سوقند)، انگیزه ویلاسازی را در بعضی از شهروندان (برای دوری از شلوغی شهرها و بهره‌گیری از مناطق خوش آب و هوا، سکوت نسبی و رفع خستگی کار در سرسبزی و خرمی روستاها) تقویت نموده است. بدیهی است که در اینگونه روستاها، فراوانی مساکن روستا، مبنای درستی برای خانوارهای ساکن در آنها و موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی آنها نخواهد بود.



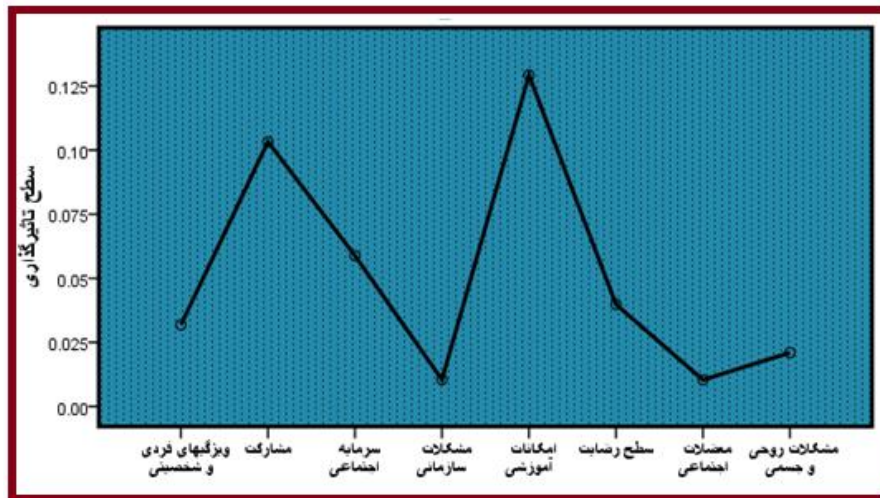
شکل ۶: وضعیت نرخ رشد جمعیت در روستاهای مورد مطالعه بین سالهای ۹۰-۱۳۸۵

از طرف دیگر، برای مقایسه میزان تاثیرگذاری عوامل مختلف مؤثر در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه، از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه (One- Way ANOVA) استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون مؤید آن است که میانگین واریانس بین گروه‌ها بیشتر از میانگین درون گروه‌ها است و از آنجا که مقدار P. value کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ می‌باشد، با سطح اطمینان ۹۹ درصد، اختلاف معنی‌داری بین شدت تأثیرگذاری عوامل مختلف مطرح در بروز موانع و محدودیت‌های اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه وجود دارد (جدول ۹).

جدول ۹: مقایسه میانگین شدت موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی مورد مطالعه

میانگین مجذورات		جمع مجذورات		سطح معناداری
بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی	
۰/۷۲۴	۰/۰۰۱	۵/۰۷۰	۳/۱۲۸	.۰۰۰

خروجی دیگر این آزمون در مقایسه سطح تأثیرگذاری عوامل مؤثر در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌ها برای توانمندسازی اجتماعی خانوارهای مورد مطالعه حاکی از آن است که محدودیت‌های ناشی از امکانات آموزشی با ضریب ۰/۱۲۹۲، مشارکت با ضریب ۰/۱۰۳۲ و سرمایه اجتماعی با ضریب ۰/۰۵۸۸، تأثیرگذارترین عوامل در بروز یا تشدید موانع و محدودیت‌های توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی این منطقه به حساب می‌آیند (شکل ۷).



شکل ۷: مقایسه سطح تاثیرگذاری عوامل مختلف در بروز یا تشدید محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی

### بحث و نتیجه‌گیری

توانمندسازی اجتماعی فرایندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که باعث تسلط آن‌ها در سرنوشت خود می‌شود. از این‌رو، سکونتگاه‌های روستایی زمانی از بهره‌وری و کارایی لازم برخوردار می‌شوند و به توانمندسازی دست می‌یابند که دسترسی به منابع و امکانات جهت ارتقای ظرفیت‌ها، تسهیل مبادلات، توسعه زیرساخت‌ها و مهارت در تصمیم‌گیری، برای روستائیان ساکن در آنها فراهم باشد. بنابراین در بررسی مسائل جوامع روستایی، توجه به توانمندسازی اجتماعی و رفع موانع و محدودیت‌های موجود در آنها بسیار ضروری می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناخت موانع و محدودیت‌های مطرح در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی انجام گردیده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه در جهت توانمندسازی اجتماعی با موانع و محدودیت‌های متعددی مواجه می‌باشند که در این راستا، محدودیت‌های ناشی از امکانات آموزشی، مشارکت و سرمایه اجتماعی، بیشترین شدت تأثیرگذاری را به خود اختصاص می‌دهند. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های کتابی و همکاران (۱۳۸۲) و الشیک و الامین (۲۰۱۳) می‌باشد که مهمترین عامل توسعه جوامع روستایی را دسترسی به امکانات آموزشی، افزایش اعتماد و مشارکت مردم می‌دانند. در یک جمع‌بندی کلی از مجموع یافته‌های توصیفی و تحلیلی پژوهش مشخص می‌شود که خانوارهای

ساکن در روستاهای مورد مطالعه شهرستان نیشابور با موانع و محدودیت‌های مختلفی در زمینه توانمندسازی اجتماعی مواجه می‌باشند. با توجه به اهمیتی که توانمندسازی در بهبود وضعیت روستاها دارد، با فراهم کردن امکانات لازم و برنامه‌ریزی‌های اصولی و کارآمد می‌توان زمینه پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر روستاها و به طبع توسعه ملی را فراهم نمود.

به هر حال، در راستای افزایش توانمندسازی اجتماعی در خانوارهای مورد مطالعه، پیشنهادها را می‌توان مطرح نمود.

- با توجه به نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، روستاهای مورد مطالعه نیاز مبرمی به ارائه امکانات آموزشی مناسب به ویژه مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی دارند، این در حالی است که در روستاهای مورد مطالعه تعداد ۵ روستا (قره بیک، کریم آباد، سوقند، آهنگران و سامغان) فاقد هرگونه مدارس در مقطع ابتدایی می‌باشند، بنابراین بایستی در صورت امکان به آن‌ها ارائه گردد و در غیر این صورت هزینه سرویس فرزندان برای مراجعه به روستاهای بزرگتر باید از سوی نهادهای حمایتی در قالب تسهیلات یا کمک‌های یارانه‌ای به خانواده‌ها اعطا شود.
- همچنین با توجه به ضرورت تقویت امکانات آموزشی در توانمندسازی اجتماعی خانوارهای روستایی و با در نظر گرفتن این موضوع که تمام روستاهای مورد مطالعه فاقد کتابخانه هستند لذا توجه بیشتر به این مسئله از سوی مسئولین برای افزایش آگاهی و بالارفتن میزان مطالعه کتب و مجلات در رده‌های سنی مختلف ضروری می‌نماید.
- ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در روستاهای مرکزی هر دهستان برای آشنایی اهالی روستا به ویژه جوانان با مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و پذیرش فناوری‌های جدید کشاورزی و همچنین فروش با قیمت پایین و یا اجاره دادن این ابزارآلات از سوی نهادهای مربوطه جهت افزایش سود و بازدهی محصولات کشاورزی.
- با توجه به اینکه در تعدادی از روستاهای مورد مطالعه، افراد اعتماد کمی به دهیار و شوراهای در اداره امور و رسیدن به توسعه روستا دارند، لذا بهتر است با دعوت از خانواده‌های علاقمند و تاثیرگذار در جلسات، ابزار لازم را جهت مشارکت روستائیان و تصمیم‌گیری جمعی فراهم آورد.
- ایجاد مراکز مشاوره و کمپ‌های ترک اعتیاد در روستاهای مرکزی هر دهستان برای حل مشکلات اجتماعی به ویژه کاهش میزان طلاق در سطح روستاها و جلوگیری از گسیختن بنیان خانواده از هم ضروری می‌باشد.
- عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی از سوی اداره جهاد کشاورزی در بسیاری از روستاهای دور از مراکز بخش و شهرستان، عدم حضور و در نتیجه کاهش مشارکت کشاورزان روستایی را در این کلاس‌ها به همراه داشته که خود عاملی مهم در پایین نگه داشتن میزان آگاهی کشاورزان در بهره‌برداری بهینه از محصولات و عدم به اشتراک گذاشتن تجربیات کشاورزی بین افراد به شمار می‌رود.

- با توجه به اینکه از بین روستاهای مورد مطالعه ۲۱ روستا فاقد خانه بهداشت می‌باشند، با در نظر گرفتن وضعیت سلامت افراد به ویژه نوزادان لازم است که در سطح تمام روستاها این واحدها تاسیس گردند تا خطرات ناشی از معلولیت و سایر بیماری‌ها در کودکان کاهش یابد.
- با عنایت به اینکه جوامع بشری نیاز مبرمی به محصولات کشاورزی جهت تغذیه و سایر مصارف دارند، اعطای خسارت مربوط به بیمه کشاورزی از طریق نهادهای مسئول جهت بالا بردن قدرت ریسک‌پذیری کشاورزان برای کشت محصولات در شرایط نامساعد اقلیمی و کم آبی الزامی می‌باشد.

## منابع

۱. اعرابی، محمد و مرجان فیاضی، (۱۳۸۸)، گونه‌شناسی دیدگاه‌ها و الگوهای توانمندسازی، فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی، شماره ۱۳، صص ۸۸-۶۷.
۲. آقایار، سیروس، (۱۳۸۲)، توانمندسازی روش نوین در محیط رقابتی، مجله تدبیر، شماره ۱۳۵، صص ۳۸-۲۸.
۳. آل‌آقا، فریده، (۱۳۸۴)، شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت‌های متناسب با آن، مجله پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۵۴.
۴. بزاز جزایری، سید احمد، (۱۳۸۴)، مدیریت بر مبنای توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، شماره ۱۶۲، ص ۱۸.
۵. بندرز، زینب و نیک نامی، مهرداد، (۱۳۹۲)، شناسایی عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ششم، شماره ۳، صص ۷۷-۶۳.
۶. بهادری، جواد، (۱۳۸۶)، دسته‌بندی عملکردی سیاست‌های اجرایی توانمندسازی اسکان غیر رسمی و کاربرد عملی آن در شهرک سعدی شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۷. حیدری ساربان، وکیل، (۱۳۹۱)، توانمندسازی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۷، صص ۱۸۸-۱۶۹.
۸. دیپا ناریان (۱۳۹۵)، توانمندسازی و کاهش فقر، مترجمان: فرزام پور اصغر سنگاچین و جواد رضوانی، تهران، چاپ اول، انتشارات کریم خان زند.
۹. رضایی جندانی، محبوبه، هویدا، رضا و سماواتیان، حسین، (۱۳۹۴)، پیش بینی ابعاد توانمندسازی روانشناختی با استفاده از مولفه‌های سرمایه روان‌شناختی در معلمان مدارس ابتدایی شهر اصفهان، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۸.
۱۰. رضائی، روح اله و زارعی، شیما، (۱۳۹۳)، بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن خان، شهرستان قروه)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۲، شماره ۲، صص ۳۰۴-۲۸۷.

۱۱. زاهدی مازندرانی، محمد جواد، (۱۳۸۷)، توانمندسازی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، صص ۲۸۳-۲۷۱.
۱۲. سعدی، حشمت اله، شعبان علی فمی، حسین و لطیفی، سمیه (۱۳۹۱)، سنجش میزان توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: استان همدان)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۱۳. سکاران، اوما، (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، صص ۵۶۰ - ۱.
۱۴. شادی طلب، ژاله، (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: نشر قطره، صص ۳۰۴ - ۱.
۱۵. صالحی، رحمان و شیخی، زهرا، (۱۳۹۳)، مشارکت و توانمندسازی جامعه روستایی با رویکرد توسعه پایدار، سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، صص ۱۳-۱.
۱۶. عنابستانی، علی اکبر، شایان، حمید، خسرو بیگی، رضا و علی اکبر تقیلو، (۱۳۹۰)، نقش ویژگی‌های مکانی-فضایی مشارکت در توانمندسازی اقتصاد روستایی، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال اول، شماره ۴، صص ۱۳-۱.
۱۷. فرخی، طاهره، (۱۳۸۰)، تواناسازی زنان، مجله تعاون، شماره ۱۱۹، صص ۱۳-۱.
۱۸. فرضی زاده، زهرا، متوسلی، محمود و مهدی طالب، (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل موثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی، توسعه روستایی، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۴۰-۲.
۱۹. قنبری، یوسف و رحیمه انصاری، (۱۳۹۴)، شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رستم)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۰-۱.
۲۰. کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی، (۱۳۸۲)، توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، سال اول، شماره ۷، صص ۳۰-۵.
۲۱. گرجی، محمد باقر، (۱۳۸۹)، ارزیابی تأثیر توانمندسازی بر عملکرد کارکنان، فصلنامه مدیریت، شماره ۱۷، تهران، صص ۵۶-۳۸.
۲۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، «اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن».
۲۳. مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی و فضیله دادورخانی، (۱۳۹۱)، تبیین عوامل موثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۳۸-۱۱۹.
۲۴. میرزایی، حسین، غفاری، غلام‌رضا و کریمی، علی‌رضا، (۱۳۸۹)، توانمندسازی، صنعتی شدن و عوامل زمینه‌ای موثر بر آن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قروه)، پژوهش‌های روستایی، شماره ۱ (۴)، صص ۱۲۸-۹۹.

25. Abrar-ul-hag, M., Mali, MRM. & Islam, GMN. (2016). Measuring the Socio- Economic Empowerment of Rural Households in Pakistan, *Business and Economics*, 7: 236, 1-6.
26. Akpabio, I. A. (2009). Women NGOs and rural women empowerment activities in the Niger Delta, Nigeria. *Environment, development and sustainability*, 11(2), 307-317.
27. Cheng, C. T. (2013). The Flow of Information as Empowerment and the Changing Social Networking Landscape in Rural China, *the journal of library trends*, 62(1), 81-94.
28. Chipindula, H., & Mwangi, J. M. (2015). Assessing the role of Village Community Banks in Social Empowerment of Women within households in rural communities of Mtwara District, Tanzania, *Research on Humanities and Social Sciences*, 5(20), 134-142.
29. Elsheikh, S., & Elamin, S. (2013), The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis, *the Journal of American Academy of Business, Cambridge*, 19(1), 302-307.
30. Evans, E. N. (1992). Liberation theology, empowerment theory and social work practice with the oppressed. *International Social Work*, 35(2), 135-147.
31. Laverack, G. (2003). Building capable communities experiences in rural figin context. *Health promotion International*, 18(2), 36-51.
32. Lekoko, R. N., & Van Der Merwe, M. (2006). Beyond the rhetoric of empowerment: speak the language, live the experience of the rural poor. *International review of education*, 52(3-4), 323-332.
33. Mitra, S., & Kundu, A. (2012). Assessing Empowerment Through Generation of Social Capital. *International Journal of Business and Social Research*, 2(6), 72-84.
34. Mohanty, S., Das, B., & Moahanty, T. (2013). Empowerment of women in rural Odisha through participation in self help groups. *International Journal of Physical and Social Sciences*, 3(7), 347-361.
35. Parsons, R. J. (2001). Specific practice strategies for empowerment-based practice with women: A study of two groups. *Affilia*, 16(2), 159-179.
36. Rifkin, S. B. (2003). A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of CHOICE. *Journal of health, population and nutrition*, 168-180.
37. Tsey, K. (2010). Making social science matter?: Case Studies from community development and empowerment education research in rural Ghana and Aboriginal Australia. *Asian Social Science*, 6(1), 3-12.



## Exploring and explaining the limitations of social empowerment of villagers (Case study: Central and Zebarkhan Districts in Neyshabur County)

### **Abstract**

Achieving the goals of sustainable development, especially sustainable rural development, required to empowerment of rural households in different dimensions. Therefore in this study has attempted to investigate the most important constraints and limitations of rural households in the Central and Zeberkhan Districts of Nishapur County. This was a descriptive-analytic documentary field research. The field studies were performed through completing village and household questionnaires as well as related forms to field observations. The reliability of the household questionnaire was confirmed by Cronbach's alpha (87%). The rural households in the study region formed the statistical population of the research. A sample size of 373 household legal guardians was determined considering the number of households and using Cochran's formula. Data analysis was performed using the Analytic Hierarchy Process (AHP) technique and Expert Choice. Statistical and spatial analyses were carried out employing SPSS and ArcGIS. The findings suggested that there were enormous or extremely enormous barriers and limitations to the social empowerment of 17.43% of the studied households. On the other hand, The results of one-way variance analysis confirms that indicators related to educational facilities by coefficient of 0.1292, partnership by coefficient of 0.1032 and social capital by coefficient of 0.0588, are considered the most influential factors in the onset or exacerbation of social empowerment constraints and limitations of studied rural households.

**Key words:** Empowerment, Social development, Rural family, Neyshabur County.